

صداوسیماوتحولی که نشد



سعید فائیان

مدرس و کارشناس رسانه

دو سال از انتصاب رئیس جدید سازمان صداوسیما می‌گذرد. بنا بر سنت معمول رسانه‌ها، نگاهی می‌اندازیم بر مسیر طی شده در دو سال گذشته. قبل از هر چیز یادآوری می‌کنم که بنا بر ساختار، رویه گذشته و مقتضیات تعریف‌شده تکریم‌بازنشتنگان سازمان نمی‌رفت و نمی‌رود که حتی در حد جابه‌جایی و تغییر مدیریت در وزارتخانه‌ها یا نهادها و سازمان‌های دیگر، بعد از تغییر مدیریتی، تحولی اساسی و بنیادین در این مجموعه اتفاق بیفتد. البته خصوصیات و رفتار فردی ریاست تا حدودی به‌ویژه برای کارمندان سازمان می‌تواند متفاوت باشد؛ مثلاً ریاست قبلی به جای تکریم‌بازنشتنگان محاسباتی ورود آنان را به محوطه جام جسم ممنوع و محدود کرده بود که ریاست فعلی برای این موضوع برنامه‌ریزی کرد.
باین‌همه رسانه عظیمی که قرار بوده است در عمل فراگیر و ملی نیز باشد، تا رسیدن به منظور و بامسماشدن نام خود فاصله زیادی دارد. به دلیل اهمیت کارکرد صداوسیما نکاتی را در این زمینه یادآور می‌شوم.

صداوسیما در تمام سال‌های اخیر نتوانسته است به‌عنوان ملجأ و منبع بیان همه تفکرات مطرح، قانونی و مجاز در کشور مورد توجه و رجوع متفکران با سلیقه‌های مختلف قرار گیرد. این شیوه عملکرد امر جدیدی نیست؛ دست‌کم در دو دهه اخیر به گونه‌ای بوده است که به هر شکل پشتیبان تفکرات و جریان‌های مورد قبول و همسو بوده و در ممنوعیت یا محدودیت حضور تفکرات غیرهمسو یا منتقد در دو سال اخیر تغییری ایجاد نشده است.

درباره بخش اخبار نیز همچنان از رویه‌های قبلی و قدیمی با اندک رنگ و لعاب متفاوت استفاده می‌شود. اینکه بسیاری از رسانه‌های خارج از کشور هجوم گسترده‌ای برای افغان و تأثیرگذاری بر مخاطبان داخلی دارند، یک واقعیت است؛ ولی این همه واقعیت نیست. سنت غالب صداوسیما در خبررسانی به‌ویژه در قبال مشکلات و بحران‌ها همواره ابتدا شیوه تدافع و تکیذب و سپس عکس‌العمل بوده است. کسماکان در بر همان پاشنه می‌چرخد، با این تفاوت که توانایی ارتباط، اطلاع و تأثیرگذاری مخاطبان نسبت به گذشته کاملاً افزایش یافته است؛ درعین‌حال امکانات و ارتباطات رسانه‌ای سازمان نیز بهتر و قوی‌تر شده است و طبعاً باید سعی بیشتری در شفافیت عملکردها و پخش به‌موقع و دقیق خبرها صورت بگیرد تا از رسانه‌های رقیب و کاربران فضای مجازی و شهروندخبرنگاران داخلی عقب نیفتد. دراین‌صورت حتماً مخاطبان نسبت به خبر رسانه اعتماد بیشتری خواهند داشت و کمتر نیازمند مراجعه به منابع دیگر خواهند شد؛ البته این کاری بسیار مهم و سخته است و نیازمند جداشدن از رویه‌های سنتی گذشته، علاوه بر تلاش و همت، درعین‌حال به همکاری و پشتیبانی نهادهای تصمیم‌گیر و تأثیرگذار خارج از سازمان نیز نیاز دارد.

مدیریت جدید در بدو ورود بر تحول تأکید داشت؛ تغییراتی نیز در بُعد مدیریتی اتفاق افتاد و سن متوسط مدیران نسبت به قبل پایین‌تر آمد و به‌اصطلاح جوان‌سازی شد؛ ولی تا به حال تحول و پیشرفت درخورتوجهی در تولید برنامه‌ها، تعمیق محتوا و تأمین رضایت و کسب اعتماد بیشتر مخاطبان مشاهده نشده است. البته صداوسیما دو رسانه بزرگ و فراگیرتری هستند که تحول همراه با توقف در آن نمی‌تواند اتفاق بیفتد. باید ضمن اداره و مدیریت امروز رسانه، برای فردا، فصل آینده و چشم‌انداز سال‌های بعد نیز برنامه داشته باشد.

صداوسیما همواره در برخی از جنبه‌ها دچار افراط بوده و همچنان هست، در ابعادی نیز بی‌تأسبی افزایش یافته است. در همه مناسبت‌های مذهبی فضاسازی قبل از مناسبت، اصل مناسبت و مشابعت و بدرقه طولانی آن، یک سنت شده است، معلوم نیست چرا هیچ‌گاه نسبت به این نحوه پوشش برنامه‌ها آسیب‌شناسی نمی‌شود و از کارشناسان ذی‌ربط و مخاطبان

نظرخواهی به عمل نمی‌آید. در ایام حج و روز عرفه همه شبکه‌های تلویزیونی در حال پخش دعای عرفه بودند. واقعا اگر دو، سه شبکه سراسری و در دسترس عموم دعا و برنامه مناسبتی ویژه پخش کنند، کفایت ندارد؟ راهپیمایی و پیاده‌روی عظیم مردم به مناسبت اربعین حسینی موضوع مهمی بود و صداوسیما نیز پوشش وسیعی به این رخداد داد و درصد بالایی از خبرها و برنامه‌های تولیدی شبکه‌های متعدد معطوف این رویداد شد، طبعاً موضوع نیاز به توجه کامل داشت؛ ولی باید برای همین موضوع مهم نیز حد و اندازه‌ای در نظر گرفت، هم‌زمان به سایر موضوعات، مشکلات، نیازها و حساسیت‌های روز جامعه نیز توجه کرد.

صداوسیما مدت‌هاست که به شیوه‌ای حرکت می‌کند، برنامه می‌سازد، گزارش می‌گیرد و از افراد دعوت می‌کند که انگار خود را صرفاً رسانه بخشی از مردم و قشری با اقتضای از جامعه می‌داند، متأسفانه تلاشی برای فراگیری و دربرگیری اکثریت قاطع مخاطبان با حفظ چارچوب‌های ابلاغی نمی‌شود یا دست‌کم توقف محسوسی در این مسیر حاصل نمی‌شود، تغییرات در نوع پوشش و ظاهر مجریان و برنامه‌سازان در ماه‌های اخیر نیز کاملاً در همین زمینه ارزیابی می‌شود. جایگاه ریاست صداوسیما در نظام سیاسی و فرهنگی کشور جایگاه مهمی است؛ ولی این اهمیت الزاماً نشان از قدرت بالای تصمیم‌گیری او نیست. برخلاف آنچه تصور می‌شود، این گونه نیست که این رسانه عظیم تنها به یکی، دو حوزه بالادستی پاسخ‌گو یا از آن تأثیرپذیر باشد؛ بلکه نهادهای مختلف و شخصیت‌های متعدد با شیوه‌های مختلف بر این دستگاه تأثیرگذار هستند؛ به‌ویژه در جهت نفی و محدودسازی و اعمال فشار برای پرهیز از گسترده‌ترشدن طیف دربرگیری و پوشش مخاطبان، به‌همین‌دلیل غالباً مدیریت‌ها با وجود خوش‌بینی‌ها و وعده‌های اولیه، به‌مرور به سمت نوعی محافظه‌کاری و عدم تحول حرکت می‌کنند.

صداوسیما سازمانی حجیم به لحاظ ساختاری و تعدد شبکه‌ها و مجموعه‌های وابسته، گسترده به لحاظ جغرافیایی، پرعائله و غیرمتناسب به لحاظ تعداد نیروها با بیش از ۴۰ هزار نفر حقوق‌بگیر است. افزودن و سپردن مسئولیت‌های دیگر مثل ستاربا به این سازمان، علاوه بر کم‌رنگ‌شدن تنوع و پاسخ‌گویی به ذائقه مردم درتولیدات، گامی در پرمشغله‌ترکردن و سنگین‌ترکردن بار مسئولیت مدیریت و مجموعه این سازمان است.

با توجه به تعدد و تنوع امکانات ارتباطی و دسترسی مردم ما به انواع پیام‌ها و هجوم رسانه‌ای مخالفان، رقیبان و تغییرات وسیع سیاهر رسانه‌ای کشور، منطقه و جهان، دیگر نمی‌توان به شیوه‌های قبلی فعالیت موفق داشت، انحصار صداوسیما در تولید و پخش خبر و تولید حتی در داخل کشور با چالش جدی روبه‌رو شده و حتماً باید این رسانه تجدیدنظری اساسی بر روند تولید و پخش و تعامل با مخاطب داشته باشد. تاوأم شیوه‌های گذشته چاره‌ساز، بهبوددهنده و رافع نیازهای مخاطبان نخواهد بود.

با وجود تأکیدات مکرر مقامات عالی کشور در مناسبت‌ها و مقاطع مختلف، زمان زیادی است که توجه به تقویت و توسعه زبان فارسی در اولویت قرار ندارد؛ به عبارتی به‌جز مواردی کوچک، حرکتی تأثیرگذار در شرف اقدام نیست. در این زمینه نهادهای دیگری نیز مسئول هستند که به وظیفه خود عمل نکرده یا موفق نبوده‌اند. صداوسیما می‌تواند علاوه بر تهیه برنامه‌های پرحنوا از راه مطالبه‌گری در سطح ملی این مقوله مهم را به‌طور جدی دنبال کند. بنیادها و نهادهای متعددی برای زبان فارسی مسؤل هستند و بودجه دریافت می‌کنند؛ ولی حضور فعال ندارند. متأسفانه در سال‌های اخیر تعامل با ایرانیان مقیم خارج از کشور که قبل از آن هم کمرنگ یک ضعیف‌تر شده است. در اقدامی غیرحرفه‌ای و غیرتخصصی به‌تازگی دستور انتقال پخش شبکه جهانی جام‌چم که یکی از رسالت‌های آن تلاش برای حفظ هویت فرهنگی و ارتباط ایرانیان خارج از کشور با داخل و نیز توسعه زبان فارسی در خارج از کشور است، از بستر ماهواره به بستر اینترنت صادر شده است.

حتی دیده‌شدن یک یا دو سریال به‌تنهایی نمی‌تواند نشانه

توفیق سیمیا با ظرفیت عظیم آن ارزیابی شود؛ باین‌همه در دو سال گذشته تولیدات متفاوتی روی آنتن پخش شبکه‌ها نرفته است، چند برنامه پرمخاطب و موفق از نگاه مخاطبان از سوی مدیریت تعطیل شدند؛ ولی برنامه‌هایی هم‌تراز یا نزدیک به آنها جایگزین نشدند که در این شرایط اگر کشاورز همچنان به‌ویژه زمانی که امکانات و انتخاب‌های دیگری داشته باشند، معطل و منتظر نمی‌ماند و نباید لحظه‌ای توجه به آنان دچار وقفه شود.

در فضای رسانه‌ای کشور و از زبان بسیاری از کارشناسان بارها و بارها گفته شده و می‌شود که مردم ما شاد نیستند، نیاز به شادی و سرگرمی در کشور کاملاً محسوس است؛ باوجوداین سال‌هاست که برنامه‌های طنز و سریال‌های مفرح و سرگرم‌کننده در شبکه‌ها به حداقل رسیده است، غالب تهیه‌کنندگان تولید فیلم و سریال‌های تلخ و محزون را بی‌دردس‌تر می‌دانند، غالب جمعیت کشور ما در سید هزینه زندگی روزمره‌شان سهمی برای تفریح و سرگرمی ندارند یا به دلیل مشکلات جاری، در اولویت‌شان نیست. برای این جمعیت، همچنان رادیو و تلویزیون ارزان‌ترین وسیله برای اوقات فراغت هستند که باید این مقوله جدی گرفته شود. در دو، سه سال اخیر، سهم نشاط و سرگرمی حتی نسبت به سابق کمتر شده است. افزایش برنامه‌های گفت‌وگومحور، یک‌سویه و کم‌تحرك نمی‌تواند جایگزین برنامه‌های نمایشی، طنز و دیگر سبک‌های پرطرفدار شود.

آقای دکتر جبلی به لحاظ شناخت کار رسانه، سابقه بهتری از برخی رئیسان قبل از خود دارد؛ ولی تنها این کفایت نمی‌کند. صداوسیما نیاز به تحول دارد، تحولی که واقعا دیدگاه‌ها و نیازهای مردم را پاسخ دهد، به نحوی که کمتر احساس نیاز به رسانه‌های غیربومی کنند. معلوم نیست در فضایی که همگان کمابیش از همه چیز باخبرند، چرا این سازمان از طرح برخی انتقادات از طرف مدعوین و کارشناسان نگرانی دارد؛ انتقاداتی که به‌وضوح در جامعه دیده می‌شود و مردم با تمام وجود آنها را لمس می‌کنند. البته در مواردی بنا بر شرایط چند برنامه نقد و بررسی مسائل روز روی آنتن رفته است که آغاز خوبی است؛ ولی نه تعداد برنامه‌ها و نه ترکیب کارشناسان متنوع و متناهیست. متأسفانه روند حذف بسیاری از برنامه‌های زنده مدت‌ها قبل از ریاست آقای جبلی آغاز شده بود و هم‌اکنون نیز برخی برنامه‌های معمولی و غیرحساس نیز ضبطی شده و تولیدی پخش می‌شوند که حرارت و تازگی لازم را ندارند. فرض بگیریم کارشناس برنامه اشتباهی هم روی آنتن مرتکب شود یا تهیّی برزند؛ امری که معمولاً در رسانه‌های صحتی و تصویری پیش می‌آید و برنامه‌سازان و مجریان از پس تصحیح و توضیح آن برمی‌آیند.

صداوسیمای پرعائله و پرهزینه، علاوه بر بودجه دولتی، درآمدهای خوبی هم از تبلیغات دارد؛ باین‌همه برخلاف تصور بسیاری در کشور حتی برخی از نمایندگان، میزان حقوق دریافتی کارمندان به‌ویژه بازنشستگان این سازمان از بسیاری از نهادهای دولتی کمتر است و اکثریت حقوق‌بگیران آن حال خوشی ندارند. شاید با تعطیل و حذف تعدادی از شبکه‌های مشابه و موازی که یکی، دو مورد آن اتفاق افتاد و حذف و جداسازی مجموعه‌های غیررسانه‌ای، به‌کارنگرفتن نیروهای جدید خارج از روال رسمی و قانونی، در نتیجه با چابک‌سازی مجموعه، بتوان تعادلی در دخل و خرج و اداره امور آن حاصل کرد. ناگفته نماند که با وجود اینکه کارمندان دلسوز و کارآمد در صداوسیما بسیارند؛ ولی متأسفانه نیروهای غیرمتخصص و غیرموثر زیادی هم در سال‌های گذشته به این مجموعه افزوده شده‌اند. بخشی از تحول می‌تواند معطوف به به‌سازی راه ورود نیروهای جدید و انتخاب بهترین‌ها برای مجموعه باشد.

یکی از ضعف‌های همیشگی صداوسیما نقدنپذیری و مهیانبودن برای نقد آشکار از سوی منتقدان و کارشناسان ذی‌ربط بوده است. رسانه‌ای که یکی از رسالت‌های خود را نقد و بررسی کارکردهای دیگر نهادهای می‌داند، لازم و شایسته است که اسباب و ابزار نقد خود را نیز فراهم کند و پذیرشگر نقدهای دیگران نیز باشد؛ مسیری که می‌تواند به اصلاح روند‌ها و احیای اعتماد از‌دست‌رفته مخاطبان بینجامد.

اهمیت کارایی تطبیقی در اقتصاد



سیدجواد جمالی

کارشناس اقتصادی

کشاورزی را در نظر بگیرید که به روش سنتی مشغول انجام امور کشاورزی است. او به‌صورت بی‌ریویه از منابع آبی در اختیارش برای کاشت محصولات کشاورزی استفاده می‌کند. حال به مرور زمان و طی گذر سال‌ها با تغییرات شرایط اقلیمی دیگر منابع غنی آب در دسترس کشاورز قرار نمی‌گیرد. در این شرایط اگر کشاورز همچنان به روش سنتی خود پایبند باشد، دیر یا زود با مشکلات ناشی از کمبود آب مواجه خواهد شد و درآمد حاصل از کشاورزی برای آن فرد در معرض خطر قرار می‌گیرد. ازاین‌رو او باید عجلاتاً به دنبال یک راه‌حل جایگزین باشد. بهتر است کشاورز تغییراتی را در مقایسه با گذشته اعمال کند. برای نمونه از کاشت محصولات با میزان مصرف بالای آب پرهیز کند و اینکه روش آبیاری مدرن و قطره‌ای را جایگزین روش آبیاری سنتی کند. در این شرایط، کشاورز به تغییرات و دگرگونی‌های رخ‌داده واکنش مناسب نشان داده و با تطبیق خود نسبت به وقایع حادث‌شده، توانسته است میزان کارایی خود را ارتقا دهد. داگلاس نورث، برنده جایزه نوبل اقتصاد، نام این فرایند را کارایی تطبیقی می‌نامد.

دنیای امروز با سرعتی شگفت‌آور در حال تغییر است. همه افراد به‌طور پیوسته در معرض این تحولات قرار دارند. چند دهه قبل تعداد اندکی از افراد با مبانی علوم رایانه‌ای آشنا بودند؛ ولی با گذر زمان و نفوذ شگمگیر رایانه در مشاغل مختلف، امروزه کمتر کسی را می‌توان یافت که نسبت به دنیای رایانه بی‌اطلاع باشد. دلایل این است که تطبیق‌یافتن با دنیای نوین تکنولوژی، موجب عقب‌ماندگی افراد یا حتی باعث از دست دادن شغل آنها می‌شود. در زمینه اقتصادی نیز سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی که درک مناسبی نسبت به تحولات حادث‌شده داشته‌اند، قادر بوده‌اند به حیات خود ادامه دهند؛ اما مواردی نیز می‌توان یافت که با تعلل درباره دگرگونی‌های محیطی واکنش نشان داده و در زمان کوتاهی موقعیت و جایگاه خود را از دست داده‌اند. شرکت نوکیای فنلاند را می‌توان در زمره این موارد نام برد. نوکیا در سال ۱۹۹۲ اولین گوشی تلفن همراه خود را تولید کرد. این شرکت به گونه‌ای اعجاب‌آور بازار تلفن همراه را درنوردید و در زمانی کوتاه توانست در سال ۲۰۰۷ با پشت سر گذاشتن شرکت موتورولا و با تصاحب ۴۹ درصد از سهم بازار تلفن همراه، رتبه اول بازار را به خود اختصاص دهد. دوران افول نوکیا بسیار سریع از راه رسیده و این ابرشرکت در مدت کوتاهی بازار تلفن همراه را به رقبای واگذار کرد و از بازار حذف شد. گفته می‌شود علت اصلی این رخداد مربوط است به بی‌توجهی نوکیا به تحولات و اقدامات رقبای خود در بازار به گونه‌ای که نوکیا هرگز تلفن‌های اندروید یا شرکت اپل را به‌عنوان رقبای جدی خود در نظر نمی‌گرفت؛ درحالی‌که رقبای نسبت به نیازهای مشتری پاسخ‌خی سریع و بجا ارائه می‌دادند. نوکیا به علت غفلت ناشی‌شده خود را با شرایط جدید بازار و مشتریان منطق کند و با بازدهی نزولی و کارایی نداشتن مواجه شد. بی‌توجهی به کارایی تطبیقی عامل ناپدیدشدن نوکیا در بازار گوشی تلفن همراه بود.

دنیای امروز دنیایی است مملو از تغییرات مکرر و پیاپی همراه با چالش‌ها، بحران‌ها و نااطمینانی‌های گوناگون. کشورهایی توانسته‌اند از بحران‌ها و ناپساامانی‌ها جان سالم به در ببرند که برخوردی مقتضی با چالش‌ها و دگرگونی‌ها را لحاظ کرده‌اند. کشوری که اقتصاد آن در یک سطح مشخص از تکنولوژی و فناوری گرفتار شده و قادر نبوده هم‌زمان با تغییرات گسترده در دنیای فناوری خود را همراه کند، نباید انتظار داشت که جایگاه شایسته‌ای در اقتصاد جهانی کسب کند. اقتصاد همه کشورهای توسعه‌یافته همواره در حالت پویست‌اندازی و دگرپسی هستند. در قرن ۱۹ صنعت موبل‌ونقل ریلی جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد آمریکا داشت؛ ولی به مرور زمان و بر اثر پیشرفت دیگر صنایع، موقعیت و جایگاه خود را از دست داد. همچنین در دهه ۱۹۵۰، صنعت خودرو، نقش بسزایی در اقتصاد آمریکا ایفا می‌کرد؛ به نحوی که ۲۰ درصد وزن اقتصاد آمریکا را به خود اختصاص داده بود. در این دوره به ازای هر شش شغل، یک شغل مرتبط با صنعت

خودرو بود. با گذشت زمان جایگاه صنعت خودرو نیز به وسیله دیگر بخش‌های اقتصاد تهدید شد.

در نمونه‌ای دیگر از جابه‌جایی و تحرک در اقتصاد می‌توان به صنعت کشاورزی آمریکا اشاره کرد. وزن صنعت کشاورزی از حدود ۱۸ درصد از تولید داخلی آمریکا در دهه ۱۹۵۰ به نزدیک دو درصد در زمان حال تنزل پیدا کرده است. از سوی دیگر تغییرات تکنولوژیک و فناوری‌های نوین سبب شد در همین مقطع زمانی سهم صنعت خدمات از کمتر از ۶۰ درصد به بالای ۸۰ درصد جهش یابد.

جابه‌جایی و تحرک در اقتصاد، ناشی از سطح بالایی از پویایی و انعطاف‌پذیری سازمان‌های اقتصادی است. سازمان‌های اقتصادی که بپذیری تغییر در برابر چالش‌ها و دگرگونی‌ها هستند، درواقع با انطباق خود با شرایط جدید، بقا و پایداری خود را تضمین می‌کنند. در نقطه مقابل شوری سابق را می‌توان نام برد. این کشور با ساختار اقتصادی متمرکز و برنامه‌ریزی‌شده، توانست بعد از جنگ جهانی دوم خود را به‌عنوان رقیب اصلی آمریکا مطرح کند. موفقیت‌های شوری به اندازه‌ای شگفت‌انگیز بود که پل سامونسون، برنده جایزه نوبل اقتصاد در دهه ۱۹۷۰ پیش‌بینی کرد که شوری تا پایان قرن بیستم از آمریکا پیشی خواهد گرفت؛ ولی آنچه رخ داد، خلاف انتظارات بود. ساختار اقتصادی غیرمنعطف، دستوری و غیرقرباتی در شوری سبب شد اقتصاد وارد دوران افول و نزول شود و ساختار اقتصادی بسته مانع از تطابق سازمان‌های اقتصادی با تحولات جهانی شد؛ بنابراین قاعده کارایی تطبیقی اجرا نشد. کارایی تطبیقی مستلزم ساختاری است که در مواجهه با عدم اطمینان‌های فراگیر جهان در حال تغییر، بدیل‌های گوناگونی را به نحوی انعطاف‌پذیر امتحان کند که این مسئله در طی زمان پدید می‌آید. اتحاد جماهیر شوری نقطه مقابل چنین رویکردی را نشان داد.

اقتصاد ایران به‌طور پیوسته وابستگی بالایی به صادرات نفت و مشتقات نفتی و مواد خام معدنی و فلزی داشته است. اقتصاد ایران فاقد تنوع و گستردگی در بخش‌های مختلف اقتصادی است. بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی در ایران در گرو حمایت‌های دولت امکان‌پذیر است. در صورت حذف یارانه‌های انرژی، بسیاری از صنایع فاقد توجیه اقتصادی خواهند بود. دلستکی به دریافت انواع سوبسیدها مانع از آن شده است تا صنایع برتر کشور (پتروشیمی، معدنی و فلزی) انگیزه کافی برای بهبود کارایی داشته باشند. همچنین ارتباط اندک میان صاحبان صنایع داخلی و بنگاه‌های اقتصادی بین‌المللی باعث شده امکان انتقال فناوری روز دنیا به‌سختی اتفاق بیفتد. منزوی‌بودن سازمان‌های اقتصادی داخلی و دوربودن از عرصه رقابت جهانی سبب شد فعالان اقتصادی نتوانند خود را با محیط بین‌المللی تطابق دهند. به دلیل انطباق‌ناداشتن با اقتصاد جهانی، میزان کارایی و بازدهی اقتصاد داخلی با چالش روبه‌رو شده است. معجزه بودن از فناوری‌های مدرن و علوم نوین جهانی، باعث شده بنگاه‌های اقتصادی داخل کشور به‌طور مداوم قدرت رقابت در عرصه جهانی و حتی منطقه‌ای را از دست بدهند. غفلت از کارایی تطبیقی در اقتصاد ایران، میزان رقابت‌پذیری را به‌شدت تنزل داده و در صورت حذف یارانه‌ها و کاهش تعرفه‌های وارداتی (مانند صنعت خودرو) بنگاه‌های اقتصادی دیگر توان ادامه فعالیت نخواهند داشت.

سخن آخر اینکه سرعت تغییرات در دنیای امروزی به گونه‌ای باورنکردنی در حال افزایش است. بسیاری از بنگاه‌های بین‌المللی به‌صورت سالانه محصولات جدیدی را روانه بازار جهانی می‌کنند. آنها مجبور هستند برای ادامه بقایای خود در برابر دگرگونی‌ها واکنش فوری نشان دهند. همه اقتصادها با مسئله گوناگونی بقا در مواجهه با نااطمینانی‌ها، مجموعه هرکت پویان‌پذیر چالش‌های جدید، دگردیسی‌ها و بحران‌ها روبه‌رو هستند. وجود سازمان‌های اقتصادی رقابت‌پذیر و فراگیر باعث تقویت کارایی تطبیقی می‌شود و این امر توانایی اقتصاد را برای بقا در مواجهه با ترتیبات دانما در حال تغییر مسائل و مشکلات تقویت می‌کند. وجود ساختار اقتصادی پویا، انعطاف‌پذیر و رقابتی با افزایش میزان کارایی تطبیقی، همواره با ایجاد جریان آزاد اندیشه‌ها و ایده‌های اقتصادی، طیفی از روش‌های بالقوه برای درک و حل مسائل جدید ایجاد می‌کنند. لازمه ایجاد کارایی تطبیقی در اقتصاد، خلق سازمان‌های منعطف، رقابتی، چندوجهی و خلاقانه سیاسی است. نهادهای غیرانحصاری باعث ایجاد سازمان‌های اقتصادی رقابتی می‌شود. به عبارتی شرط پیدایش کارایی تطبیقی در اقتصاد، ظهور کارایی تطبیقی در ساختارهای سیاسی است.

پانزدهم مهرماه روز روستا و عشایر مبارک باد

روز پانزدهم مهرماه هر سال برای گرامیداشت و قدردانی از زحمات و تلاش‌های روستاییان و عشایر نام‌گذاری شده است. مجاهدمدان و مجاهدزانی که در میدان اقتصاد و تولید کشور با گمنامی تلاش می‌کنند؛ همان‌ها که در جبهه‌های دفاع هشت سال دفاع مقدس، فرزندان، پدران، برادران و همسران خویش را برای حفظ نظام و کشور تقدیم کردند. بسیاری از علما و دانشمندان، فرزندان روستا هستند که از این رهگذر نیز خدماتشان آشکار است. روستا مکان تولید است و روستایی تولیدکننده. می‌دانیم پیامبر اعظم(ص) بر دستان پینه‌بسته تولیدکننده بوسه زد. بنابراین اگر در این جهت به نبی مکرم اسلام اقتدا کرده و بر دستان پینه‌بسته ایشان بوسه زده شود، راه صواب و عاقبت بی‌مبوده شده است. اما انتظارات مردم و تلاشگران عرصه تولید از دولت مردمی به شهرهای ذیل تقدیم می‌شود.

۱- رسیدگی و توجه به وضعیت آموزش‌ها، اعم از تحصیل فرزندان، آموزش‌های مهارتی و آموزش‌های تخصصی و...

۲- تغییر رفتار و بهبود روش دستگاه‌های اداری کشور به‌صورت جدی

۳ رویکرد مثبت و مؤثر بانک‌ها و رفتار مهربانان آنها با روستاییان و عشایر برای افزایش تولید ناخالص ملی

۴- ایجاد و توسعه مسکن مناسب و مقاوم از طریق واگذاری زمین مجانی با ارائه تسهیلات آسان به ساکنان روستا

۵- روستا بستر مناسب برای انواع گردشگری (تاریخ، مزرعه، طبیعت و بومگردی و...)

۶- لازم است برای افزایش درآمد و ماندگاری روستاییان اقداماتی سریع انجام شود.

استعدادی از روستاها با مشکل آب شرب مواجه هستند. لازم است اقدامی جدی برای حل معضل آنها بدون آنکه حل معضل سبب درگیری و بدبینی یا بقیه انجام گیرد.

۷- روستاها ز داشتن راه‌های ارتباطی مناسب و استاندارد بهره بسیار کمی دارند. اقدام برای رفع این مشکل حیاتی و ضروری است.

۸- به دلیل آنکه نقاطی از کشور با کم‌آبی مواجه بوده، متأسفانه نگهداری دام‌های روستاییان به سختی ممکن است، بنابراین لازم است برنامه‌ریزی برای کمک به افراد این مناطق مورد توجه قرار گیرد.

خانه توسعه روستا و عشایر مهرماه ۱۴۰۲

گرامت جنگ وراه‌های نرفته



حمیدرضا اکبرپور

در روزها و حتی ماه‌های اخیر، بار دیگر مقوله اخذ گرامت از عراق به دلیل شروع جنگ هشت‌ساله علیه ایران به موضوع داغ رسانه‌ای تبدیل شده است. حتی در محافل آکادمیک هم بحث تطبیق‌سازی رویدادهای جنگ با مفاهیم حقوق بین‌الملل مطرح و مورد استقتیال واقع شده است. کمابینه همین مقوله گرامت به موضوع برخی از مقالات علمی در پژوهش‌های دانشگاهی تبدیل شده است. در همین زمینه، مطلبی در روزنامه «شرق» و به قلم دکتر علی مندی‌پور منتشر و بر لزوم اخذ گرامت از حکومت جدید عراق تحت عنوان اصلی جانشینی دولت‌ها تأکید شد. بدون شک این خواسته بسیاری از مردم و به‌ویژه مناطق جنگ‌دیده ایران است تا آنچه را حق بلامنازعشان است از کشور متجاوز طلب کنند؛ اما در این میان واکاوی دلایل عدم توسل ایران به ابزارها و نهادهای بین‌المللی برای احقاق حق خود می‌تواند تا حدودی راهگشا باشد که چرا عملاً ایران در این مورد ناتوان از اقدام مؤثر است.

برای اخذ گرامت از کشور متجاوز، دو راه اصلی وجود دارد. راه اول از طریق تشکیل کمیسیون گرامت در سازمان ملل است، مانند آنچه در مورد کویت رخ داد و عراق موظف به پرداخت خسارت چندده‌میلیاردی شد. ایران برای این امر نیازمند قطع‌نامه‌ای در شورای امنیت و البته اعمال فشار قدرت‌های جهانی برای ضمانت اجرای آن است که عملاً نه امروز بلکه در طول بیش از چهار دهه، هیچ‌وقت این همراهی در شورای امنیت وجود نداشته است. در بند ششم قطع‌نامه ۵۹۸ نیز فقط به ذکر تعیین مسئولیت منازعه به هیئت بی‌طرف اشاره